

وجوه افتراق و اشتراک کنوانسیون حقوق کودک و فقه امامیه در باب کودک آزاری

بهروز زارع

کارشناسی ارشد گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران.

اکبر فهیمی

استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران.

چکیده

غفلت جهانی از حقوق کودکان، دلایل متعدد و قابل توجهی دارد که می‌بایست ریشه و مبنای این دلایل را در فرهنگ، آداب و سنن ملی کشورها و ... جستجو کرد. بشر در طی تاریخ زیست جمعی خویش معمولاً به انسان-های فاقد کمال عقلی و ذهنی -هم‌چون اطفال و مجانین- به چشم افراد ناقص و در حکم مال و قابل تملک برای خویش و در نتیجه محروم از حقوق اجتماعی می‌نگریسته، به طوری که این امر از دلایل اصلی بی‌توجهی و کم‌توجهی به حقوق کودکان بوده است. هدف از مطالعه حاضر بررسی وجوه افتراق و اشتراک کنوانسیون حقوق کودک و فقه امامیه در باب کودک آزاری می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و نتایج حاصل از مطالعه تطبیقی نشان داد میان آنچه در اسناد بین‌المللی در رابطه با حقوق کودکان آمده است، با آنچه در آموزه‌های دین اسلام وجود دارد، تفاوت اساسی دیده نمی‌شود. بسیاری از آنچه اکنون در اسناد بین‌المللی در قالب اعلامیه یا کنوانسیون آمده، در متون دینی به عنوان امر "واجب" یا "مستحب" و ... مطرح گردیده و یا در روش‌های اخلاقی و ارشادی توصیه گردیده است. همچنین مسئله بسیار مهم و حائز اهمیت این است که چگونه می‌توان در وضعیت کنونی ایران و شرایط بین‌المللی که آکنده از آشوب‌های مبتنی بر کوراندیشی مذهبی و یا نگرش‌های قالبی مبتنی بر عدم تطابق آموزه‌های دینی با بنیادهای حقوق بشر است، از کنوانسیون حقوق کودک در جهت نگرشی نو و تفسیری جدید از مبانی فقهی سود جست و در مقابل از نگرش-های موجود در فقه و حقوق اسلامی برای تکمیل و تکامل اصول کنوانسیون، نحوه‌ی پیاده‌سازی آن و تطبیق آن با شرایط واقعی حیات اجتماعی کودکان در ایران استفاده کرد.

واژگان کلیدی: کودک، کودک آزاری، فقه امامیه، کنوانسیون، حقوق کودک.

مقدمه

کودک به عنوان موجودی بی‌دفاع همواره مورد حمایت کیفری ادیان الهی و مکاتب حقوقی و مقننین قرار گرفته است. لیکن علی‌رغم این حمایت‌ها، کودک‌آزاری از جمله جرایمی است که آمار زیادی را به خود اختصاص می‌دهد، در حالی که این گروه عمدتاً توان درک یا احقاق حقوق خود را نیز ندارند و به همین دلیل فراهم ساختن زمینه‌های دسترسی به عدالت در مورد این قربانیان ضرورت بیشتری دارد (میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

کودک از بدو تولد تا ۷ سالگی تقریباً تمام وقت خود را در خانه می‌گذراند و با ورود به دبستان نیز بخشی از روز را در مدرسه سپری می‌کند. پس تا سنین قبل از نوجوانی خانواده و اولیا مدرسه بیشترین ارتباط و سیطره را بر کودک دارند و به دلیل همین ضعف قوای جسمانی و عقلانی، خانواده و مدرسه بیشترین امکان سوءاستفاده از ضعف طفل را دارند.

کودک هم مانند یک انسان کامل دارای حقوق است. پدر و مادر باید از این کودک پرستاری نمایند و وظایفی را در برابر او انجام دهند و اگر پدر و مادر یا اجتماع حاضر نشد وظایف خود را در برابر این موجود بی‌گناه و ناتوان انجام دهد، باید قوانینی به نفع او وجود داشته باشد تا در موارد لزوم قانون از حقوق او دفاع کند. کودک‌آزاری که از جلوه‌های خشونت علیه کودکان می‌باشد، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. آمارهای تکان دهنده از مصادیق کودک‌آزاری و ضرورت اتخاذ یک سیاست کیفری مناسب برای تدوین قوانین ویژه حمایتی، سبب تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ گردید (قربان نیا و همکاران، ۱۳۸۴).

با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نشانه‌هایی از پذیرش سیاست افتراقی در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری نمایان گردید؛ قانونی که با پایه‌ریزی اولیه حقوق کیفری اطفال بزه‌دیده برای اولین بار اصطلاح «کودک‌آزاری» را وارد ادبیات حقوق کیفری ایران کرد. لیکن وجود آمارهای کودک‌آزاری موجود، کفایت و جامعیت قانون فوق‌الذکر را تا حد زیادی زیر سوال برده است و ضرورت بازنگری بر قوانین مرتبط با کودک‌آزاری را دوچندان نموده است (عباسی، ۱۳۸۰).

از آنجایی که فقه امامیه منبع قانون‌گذاری نظام جمهوری اسلامی است، و از آنجایی که ایران به عنوان بخشی از جامعه جهانی نیازمند هماهنگی و همسانی با این جامعه است، بسیار حائز اهمیت است که بدانیم فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک به عنوان سندی بین‌المللی، در امر مقابله با کودک‌آزاری با یکدیگر تعارض دارند یا خیر؟ برخی بر این باورند که نظام اسلامی و جامعه جهانی با یکدیگر متعارض هستند و امکان جمع این دو نظام وجود ندارد، و لذا نظام جمهوری اسلامی الزاما بایستی به یکی از این دو پای‌بند باشد. به همین خاطر پژوهش پیش‌رو سعی می‌کند روشن نماید که سیاست جنایی فقه امامیه و به تبع آن حقوق ایران در حمایت از اطفال چه مسیری را پیموده، چه سمت‌وسو و چه گرایشی دارد؛ هم‌چنین، کنوانسیون حقوق کودک به عنوان سندی بین‌المللی و نظام حقوقی انگلستان به عنوان نماینده شاخص نظام حقوقی کامن‌لا، در این تحقیق مورد بررسی و تدقیق قرار خواهد گرفت؛ تا بدین طریق مشخص شود که آیا نظام جمهوری اسلامی ملزم به انتخاب یکی از این دو به عنوان منبع حقوقی خود است، یا امکان استفاده از هر دو منبع به صورت هم‌زمان وجود دارد. هم‌چنین پس از بررسی رابطه فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک، برای بهره‌گیری از حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی نظام حقوقی انگلستان در رابطه با امر کودک‌آزاری به صورت تطبیقی با نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت (طارمی، ۱۳۸۲).

تحقیق پیش‌رو تحقیقی بسیار کاربردی است و نهادهای بسیاری می‌توانند از آن استفاده کنند. از جمله این نهادها مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانون‌گذاری است، زیرا در این تحقیق قوانین مربوط به کودک‌آزاری مورد تدقیق قرار خواهد گرفت و نهاد قانون‌گذاری می‌تواند با استفاده از این بررسی‌ها در جهت تصحیح قوانین موجود و نیز تدوین قوانین جدید اقدام نماید.

همچنین این تحقیق می‌تواند مورد استفاده قوه قضاییه به عنوان نهاد قضا قرار گیرد. چرا که در این مقال نقش قوه قضاییه و به ویژه قضات در برخورد با جرایم کودک‌آزاری به جد مورد بررسی قرار می‌گیرد. نیروی انتظامی نیز از جمله نهادهایی است که توان استفاده از این تحقیق را دارد. زیرا بررسی نقش ضابطین قضایی در کشف جرایم مربوط به کودک‌آزاری و نیز برخورد با کودکان بزه‌دیده از جمله اهداف این تحقیق می‌باشد.

مبانی تحقیق

گرچه معضل کودک‌آزاری امری جدید نیست اما در طی سال‌های اخیر توجهات بیشتری را به خود جلب کرده است. لیلا عزیزپور شیرفروش در سال ۱۳۹۶ پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تاثیر کودک‌آزاری بر بزهکاری نوجوانان با مطالعه موردی آذربایجان شرقی» را مورد مطالعه قرار داده است؛ لیکن این پایان‌نامه شامل موضوع پایان‌نامه پیش‌رو نمی‌باشد، زیرا مقصود نگارنده بررسی جرایم کودک‌آزاری است نه تاثیر آن بر بزهکاری نوجوانان.

صفورا نصرالهی در سال ۱۳۸۸ در پایان‌نامه «کودک‌آزاری در فقه و حقوق با تبیین آرای امام خمینی» به بررسی کودک‌آزاری در فقه آن هم با تاکید بر آرای امام خمینی پرداخته است؛ لیکن نگارنده علاوه بر بررسی فقه، قصد بررسی کنواسیون حقوق کودک و حقوق انگلستان را نیز دارد. «بررسی کودک‌آزاری در حقوق ایران» به قلم محمد فضل‌ی، صرفاً به بررسی کودک‌آزاری در حقوق ایران می‌پردازد، که برخلاف پایان‌نامه پیش رو شامل فقه و حقوق بین‌الملل نمی‌گردد. محمد حسین حافظیان در مقاله «کار کودکان» به معضل کودکان کار و کودک‌آزاری در این پدیده شوم پرداخته است، لیکن از آنجا که این مقاله متعلق به سال ۱۳۷۶ می‌باشد و زمان زیادی از آن سپری گردیده است شامل تحولات قانونی و اجتماعی سال‌های اخیر نمی‌باشد و لذا پاسخگوی نیازهای جامعه حقوقی امروز نمی‌باشد (عباچی، ۱۳۷۸).

بنابراین تا آنجایی که محقق منابع حقوقی موجود را مورد بررسی قرار داده، اگرچه برخی آثار به بررسی جرم کودک‌آزاری پرداخته‌اند، اما هیچ اثری به بررسی جامع این امر چنانچه مقصود نگارنده می‌باشد، نپرداخته است؛ لذا چنانچه مشاهده می‌گردد این اثر به نحوی جامع به بررسی کودک‌آزاری می‌پردازد، به گونه‌ای که نگارنده جامعیت این اثر -شامل بر فقه امامیه و حقوق ایران، حقوق انگلستان و کنواسیون حقوق کودک- را در هیچ یک از آثار مشاهده نکرده است.

روش تحقیق

نگارنده با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی منابع داخلی و خارجی و اسناد بین‌المللی و قوانین مدنی و کیفری به تبیین موضوع تحقیق پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات در این پایان‌نامه، کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد و نگارنده برای گردآوری اطلاعات از ابزارهایی چون اسناد، کتب، گزارشات، مقالات، اینترنت و ... استفاده کرده است.

یافته‌ها

-حقوق سقط جنین

از نظر تطبیق مقررات سقط جنین بین نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، این مقررات در انگلستان با مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات قابل تطبیق است. به طور کلی در موضوع سقط جنین، سیاست کیفری در هر دو نظام جزایی سمت و سویی بزه‌دیده محور دارد. چنانچه ملاحظه می‌گردد، نظام جزایی انگلستان نیز مانند نظام جزایی ایران نسبت به قبح سقط جنین و عواقب سوء این جرم، بی‌تفاوت نبوده است و مساله سقط جنین در هر دو نظام جزایی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. لیکن این نکته هم مورد غفلت واقع نشده است که انجام سقط جنین در برخی موارد لازم و ضروری است و جنبه درمانی دارد؛ به عبارت دیگر سیستم "سقط جنین درمانی" را به رسمیت شناخته‌اند.

در هر دو نظام جزایی تفاوتی بین زمانی که مرتکب پدر است یا غیر پدر دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، نسبت پدر و فرزندی در این جرم در هر دو کشور، مورد اهمیت قانون‌گذار نبوده است (الیوت، ۲۰۰۶). در حالی که ناتوانی بزه‌دیده این جرم و اهمیت جایگاه و وظایف پدر در حفظ سلامت جنین نسبت به افراد غریبه، لزوم این تفاوت را برجسته می‌نماید.^۱

در مجازات مقرر برای سقط جنین در قانون مجازات اسلامی نیز، برای زن حامله‌ای که با وسایلی مثل ایراد ضربه به خود یا پریدن از بلندی و یا استعمال ادویه اقدام به سقط جنین کند، هیچ مجازاتی پیش‌بینی نشده و به موجب ماده ۷۱۸ ق.م.ا باید دیه جنین را بپردازد و خود از آن سهمی نمی‌برد. بنابراین این مثال بیشتر در تطبیق تاریخ تحول سیاست کیفری دو نظام کارایی دارد و امروزه برای چنین مادری در هر دو نظام، مجازاتی مشابه -دیه در ایران، جزای نقدی در انگلستان- در نظر گرفته شده است.

در مقابل گاه نیز در سیاست کیفری ایران سمت و سوی بزه‌دیده مداری و رویکرد حمایتی برجسته‌تر است. برای مثال در حقوق جزای انگلستان مجازات سقط جنین توسط افرادی غیر از مادر جزای نقدی می‌باشد؛ در حالی که در این مورد قانون مجازات اسلامی علاوه بر دیه^۲، مجازات حبس را نیز در نظر گرفته است.^۳

-حق حیات کودک-

از نظر تطبیق مقررات فرزندکشی بین ایران و انگلستان، این مقررات در انگلستان با ماده ۳۰۱ در خصوص قتل فرزند در قانون مجازات اسلامی قابل تطبیق است. گرچه جرم قتل در هر دو نظام از نظر اینکه مرتکب رابطه ابوینی با مقتول دارد یا خیر، مورد توجه قرار گرفته است، اما به نظر می‌رسد سیاست کیفری انگلستان و ایران در خصوص قتل فرزند -با وجود برخی تفاوت‌ها- هر دو از یک سیستم مبتنی بر تخفیف مجازات والدین تبعیت می‌کنند. به بیان دیگر حقوق جزا در برابر قتل کودک توسط والدین کمتر جنبه حمایتی از بزه‌دیده دارد و عطف توجه مقنن به رابطه والدینی بزه‌کار و بزه‌دیده از زاویه‌ای بزه‌دیده مدار نبوده است. اما همانطور که ذکر شد تفاوت‌هایی در این زمینه بین دو نظام کیفری وجود دارد و از آن جمله اینکه در ایران قتل فرزند عنوان مجرمانه مستقلی ندارد و مشمول عنوان کلی قتل است، اما در حقوق انگلستان این جرم طبق شرایط خاصی تحت عنوان مستقل بچه-کشی مورد بررسی قرار گرفته است.

به علاوه در نظام حقوقی انگلستان فقط کشتن فرزند از سوی مادر از شمول مقررات کلی قتل خارج و تحت شرایطی برای آن مجازات سبک‌تری در نظر گرفته شده است؛ اما در حقوق ایران برعکس این سیاست نسبت به پدر و جد پدری دنبال شده و قتل توسط مادر مشمول احکام کلی است. به نظر می‌رسد علت این تفاوت اخیر ناشی از تفاوت ریشه این دو حکم است. بدین معنا که در نظام حقوق جزایی ما حکم معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند، برخاسته از منابع فقهی و روایت "أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ" می‌باشد و ظاهراً استدلال نهفته در این روایت، عدم امکان نابودی سبب به مسبب و استدلالات عقلی و نقلی دیگر است (کلینی، ۱۳۶۳). به همین دلیل است که در حقوق جزای ایران معافیت پدر و جد پدری از مجازات اصلی قتل، بی‌قید و شرط است. اما هدف سیاست کیفری انگلستان در معاف کردن مادر از مجازات اصلی، نوعی حمایت از وضع نامساعد روانی مرتکب حین ارتکاب جرم بوده است. به همین دلیل در حقوق جزای انگلستان معافیت مادر از مجازات اصلی قتل منوط به احراز شرایط خاص است از جمله اینکه قتل در اثر عدم تعادل روانی مادر ناشی از آثار زایمان باشد و اینکه سن کودک زیر ۱۲ ماه باشد (مدنی، ۱۳۸۳).

۱. ماده ۶۲۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات: «هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد». چنانچه مشاهده می‌گردد، ماده از لفظ "هر کس" استفاده کرده و لذا تفاوتی میان پدر و غیرپدر قائل نگردیده.

۲. ماده ۷۱۶ ق.م.ا.

۳. مواد ۶۲۲ الی ۶۲۴ ق.م.ا. بخش تعزیرات.

-حمایت از کودکان در برابر صدمات جسمی جنسی

از نظر مطالعه تطبیقی در خصوص جرایم جنسی علیه اطفال، این مقررات در انگلستان با مواد ۲۲۱ ق.م.ا به بعد و نیز مواد ۶۳۶ به بعد ق.م.ا. بخش تعزیرات، به شرح زیر قابل مقایسه است. مجازات زنا به عنف در انگلستان حداکثر حبس ابد می‌باشد در حالی که به موجب بند ت ماده ۲۲۴ ق.م.ا مجازات این جرم در حقوق ایران اعدام است. مطابق تبصره دو همین ماده در حالی که فردی از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن وی، با او زنا کند، اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم اعدام برای مرتکب باقی است.

به نظر می‌رسد در نظام کیفری انگلستان در جرایم جنسی خانگی علیه اطفال از یک سیاست کیفری مبتنی بر تشدید پیروی نشده است؛ زیرا چنانچه ذکر شد، در حقوق انگلستان سیاست کیفری اتخاذ شده در جرایم جنسی خانگی علیه اطفال (به استثنای زنا با طفل زیر ۱۳ سال) یک سیاست کیفری مبتنی بر تخفیف است. بدین معنا که مجازات زنا به عنف در این کشور حداکثر حبس ابد می‌باشد، اما در صورتی که مجنی علیه و مرتکب، رابطه خانوادگی داشته باشند، بر حسب سن مرتکب و اینکه رابطه مشتمل بر دخول باشد یا نباشد، مجازات به ۱۴ سال حبس و پایین‌تر تقلیل یافته است (آبروشن، ۱۳۹۴).

مشابه همین سیاست کیفری مبتنی بر تخفیف در یک مورد در نظام جزایی ایران دیده می‌شود: ماده ۲۲۸ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است». بنابراین چنانچه ملاحظه می‌گردد، در حقوق ایران از طفل در برابر زنا زن محصنه حمایت کم‌تری به عمل آمده است. بدین معنا که هرگاه محصن یا محصنه‌ای زنا کند مستوجب حد رجم است، مگر اینکه زن محصنه با ذکر نابالغی زنا کند. اما در حقوق انگلستان جنسیت مرتکب و همسر دار بودن یا نبودن او تاثیری در میزان مجازات مرتکب جرم جنسی علیه طفل ندارد.

اگرچه مجازات واداشتن کودک به اشتغال در مراکز فساد و فحشا در هر دو نظام کیفری مستوجب مجازات حبس می‌باشد؛ لیکن این عمل صرفاً در حقوق انگلستان مورد جرم‌انگاری مستقلی قرار گرفته است، و در نظام کیفری ایران میان این که مرتکب کودک را به این امر وادارد یا بزرگسال را، تفاوتی وجود ندارد زیرا در بند ب ماده ۶۳۹ ق.م.ا. به طور عام از واژه "مردم" استفاده شده است. در مقایسه نوع مجازات‌ها، ملاحظه می‌گردد که در نظام کیفری انگلیس، مجازات‌ها از نوع حبس یا جزای نقدی و یا هر دو می‌باشد. اما در نظام کیفری ایران، مقتبس از دین مبین اسلام، مجازات‌ها عموماً بدنی و حسب مورد تازیانه، قصاص عضو، رجم یا اعدام می‌باشد؛ البته تعزیر در قالب حبس نیز در مواردی پیش‌بینی شده است.

ضمناً در حقوق جزای ایران جرایم جنسی از حیث اینکه طرفین جرم همجنس هستند یا خیر، به زنا، لواط، مساحقه تقسیم شده است. این تقسیم برگرفته از فقه مبین می‌باشد اما اینکه آیا می‌توان این تفکیک را دارای آثار حمایتی دانست یا خیر، بر نگارنده پوشیده مانده است. به هر حال در نظام جزای انگلیس چنین تقسیم‌بندی مشاهده نمی‌شود. زیرا به موجب حقوق انگلستان عنصر مادی جرم تجاوز به عنف هنگامی ارتکاب می‌یابد که یک مرد با یک مرد و یا یک زن بدون رضایت وی مقاربت جنسی داشته باشد. صرفاً مردان به ارتکاب زنا به عنف متهم می‌گردند؛ اما در مورد بزه‌دیده تا سال ۱۹۹۴ جرم تجاوز به عنف صرفاً می‌توانست علیه زنان صورت گیرد در حالی که قانون عدالت کیفری و انتظام عمومی مصوب ۱۹۹۴ این حکم را تغییر داد، به طوری که امروزه هم زنان و هم مردان ممکن است قربانیان زنا به عنف واقع شوند (الیوت، ۲۰۰۶).

۱. ماده ۶۳۹ ق.م.ا. بخش تعزیرات: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند ...

الف) ...

ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم آورد.

- حقوق حمایت از نیروی کار کودک

از نظر مطالعه تطبیقی، این مقررات در انگلستان با مواد حمایتی از کارگران در قانون کار ایران مصوب ۱۳۶۹ از جمله مواد ۵۱، ۶۱ و ۷۹، و ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان قابل تطبیق است.

با بررسی قوانین موجود در این زمینه در هر دو کشور، می‌توان تلاش مقنن را برای حمایت از کودک در برابر اشتغال ملاحظه کرد؛ چنانچه اصولاً در هر دو نظام حقوقی کار اطفال جز در موارد استثنایی به رسمیت شناخته نشده است مگر طبق شرایط خاص؛ به عبارت دیگر در هر دو نظام حقوقی، به کار گرفتن کودک باید محدود و با توجه به آسیب‌پذیری کودک و ضعف قوای جسمی و فکری او باشد. بنابراین در هر دو نظام کیفری به کار گماردن کودک در مشاغل سخت و برداشتن بار با دست و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور ممنوع است.^۱ البته این مقرر در نظام حقوقی ایران مخصوص کارگران نوجوان یعنی کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال است؛ این امر بدان دلیل است که اصولاً به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال از نظر مقررات ایران ممنوع است.

سیاست جنایی هر دو کشور در این زمینه تا حد زیادی سعی داشته‌اند دارای رویکرد حمایتی باشند، که البته تفاوت‌هایی را هم در این زمینه می‌توان برشمرد؛ گاه مقررات ایران حامیان‌تر به نظر می‌رسد، برای مثال شرط سنی برای به کار گماردن کودک در نظام حقوقی انگلستان ۱۳ سال است، در حالی که در ایران ۱۵ سالگی معیار می‌باشد. گاه نیز سیاست جنایی انگلستان حامیان‌تر است، برای مثال در انگلستان مجاز شمردن به کارگیری اطفال در موارد خاص، پیوند مستحکمی با حقوق تحصیلی وی دارد؛ به عبارت دیگر در نظام حقوق کار انگلستان، توجه خاصی به محافظت از حق آموزش و تحصیل اطفال در کنار اشتغال آنان شده است. در حقیقت از آنجا که از نظر نظام حقوقی انگلستان تحصیل و سوادآموزی برای کودک بر سایر مسائل مقدم و در درجه اول اهمیت قرار دارد، کار کردن وی تحت الشعاع قرار گرفته است و تا حدی مجاز شمرده شده که به تحصیل کودک صدمه نزند. بنابراین حداکثر ساعت کار کردن برای کودک اصولاً ۲ ساعت در یک روز تحصیلی است؛ در حالی که در نظام حقوق کار ایران اصولاً ساعات کار ۸ ساعت در روز است که در مورد کارگران نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال، نیم ساعت کمتر است (ایروانیان، ۱۳۹۵).

مهم‌تر از این مساله، برجسته‌ترین تفاوت نظام حقوق کار ایران و انگلستان در مورد اطفال که موجود کودک‌آزاری از ناحیه والدین می‌باشد، در بحث کارگاه‌های خانگی نمایان می‌شود. در مقررات حمایتی کار اطفال در انگلیس موردی مشاهده نمی‌شود که کارگاه‌های خانوادگی را از شمول مقررات مربوط به کار اطفال خارج کرده باشد؛ اما در ایران کودکان به دلیل استثنای کارگاه‌های خانوادگی از شمول قانون کار، در بسیاری موارد به کار گرفته می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

سلامت جسمانی، روانی، عقلانی، و دستاوردها و موفقیت‌های فرد تا حد زیادی انعکاس چگونگی وضع زندگی او در نخستین سال‌های زندگی است. کودک‌آزاری از جمله ناهنجاری‌های اجتماعی شایع در عصر ماست که متأسفانه رو به فزونی می‌رود. پاشیدگی کانون خانواده‌ها، فرو ریختن بنیادهای اعتقادی و اخلاقی، مشکلات اقتصادی، شکاف نسل‌ها و ... همه و همه بستر ایجاد و تقویت این بحران را فراهم آورده و کودکان را در قبال آسیب‌های جسمی و روانی بزرگسالان آسیب‌پذیر ساخته است. روشن است که مقتضای عدالت، واکنش جدی نظام جزایی به عنوان یکی از نهادهای واکنش‌دهنده در برابر ناهنجاری و جرم است.

۱. ماده ۸۳ قانون کار مقرر داشته است: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز انجام کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار بیش از حد مجاز ممنوع است».

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین دین، از امر مهم حمایت از کودکان غافل نگردیده است. حقوق کودکان در دین اسلام از دو جهت مورد بررسی قرار گرفته: یکی به صورت عام که حق کودک جزء حقوق انسان‌هاست، و دیگری به طور خاص به عنوان حقوق کودک در مسائل و موارد.

در ارزیابی کلی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک باید گفت که اصول ذکر شده در این کنوانسیون مبین نیازهای اساسی و بنیادین کودکان است. با وجود اینکه کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن بالایی برخوردار است، لیکن ایراداتی نیز به آن وارد است از جمله عدم نوآوری و ابتکار در برخی موارد، عدم توجه به برخی اصول مترقی جهانی، ابهام و اجمال در برخی از موارد، عدم تعریف کودک پناهنده. هم‌چنین کنوانسیون در موضوعاتی دارای خلاء می‌باشد از جمله حقوق سیاسی کودک، ازدواج کودک، حقوق مربوط به ورزش، حقوق والدین نسبت به کودک.

با این حال با وجود همه نواقص و کاستی‌هایی که کنوانسیون دارد، توانسته است با تدوین مقرراتی درباره حقوق کودکان، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کودکان برآورده سازد؛ به نحوی که اکثر کشورها پس از پیوستن به آن، به تدریج مقررات داخلی خود را اصلاح کرده و یا تغییر داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به کنوانسیون مذکور پیوسته است و پس از آن نیز با تدوین مقررات جدید به حمایت از کودکان پرداخته است.

مطالعه تطبیقی مذکور نشان می‌دهد میان آنچه در اسناد بین‌المللی در رابطه با حقوق کودکان آمده است، با آنچه در آموزه‌های دین اسلام وجود دارد، تفاوت اساسی دیده نمی‌شود. بسیاری از آنچه اکنون در اسناد بین‌المللی در قالب اعلامیه یا کنوانسیون آمده، در متون دینی به عنوان امر "واجب" یا "مستحب" و ... مطرح گردیده و یا در روش‌های اخلاقی و ارشادی توصیه گردیده است.

مسئله بسیار مهم و حائز اهمیت این است که چگونه می‌توان در وضعیت کنونی ایران و شرایط بین‌المللی که آکنده از آشوب‌های مبتنی بر کوراندیشی مذهبی و یا نگرش‌های قالبی مبتنی بر عدم تطابق آموزه‌های دینی با بنیادهای حقوق بشر است، از کنوانسیون حقوق کودک در جهت نگرشی نو و تفسیری جدید از مبانی فقهی سود جست و در مقابل از نگرش‌های موجود در فقه و حقوق اسلامی برای تکمیل و تکامل اصول کنوانسیون، نحوه‌ی پیاده‌سازی آن و تطبیق آن با شرایط واقعی حیات اجتماعی کودکان در ایران استفاده کرد.

اصلاح قوانین و مقررات در جهت حمایت همه‌جانبه از اطفال در معرض خطر یا آسیب‌دیده، یک گام مهم در جهت تحقق این آرمان است. در این راستا می‌توان از تجربه نظام‌های کیفی دیگر کشورها بهره جست. در واقع همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد کودک‌آزاری مسئله‌ای فراملی است و کشورها هر یک به نوعی با آن درگیر می‌باشند و طبعاً نظام جزایی کشورها به این موضوع واکنش نشان می‌دهند. ضمن آنکه مطالعه تطبیقی می‌تواند به پیشرفت و اعتلای عدالت برای بزه‌دیدگان کمک شایانی بنماید.

همچنین در راستای تقویت رویکرد حمایتی سیاست جنایی کشور در زمینه مورد بحث، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- تشکیل دادگاه‌های خاص بزه‌دیدگی اطفال جهت رسیدگی به جرایم متهمینی که کودکی را مورد کودک‌آزاری قرار داده‌اند و نیز وضع قوانین آیین دادرسی خاص در این جهت.
- استفاده بیشتر از مجازات‌های اقتصادی در سوءاستفاده‌های مادی از کودکان نظیر استثمار، بهره‌کشی، واداشتن کودک به تکدی‌گری و مشاغل کاذب و ...
- برگزاری کلاس‌های آموزشی - تربیتی - روان‌شناختی برای آموزش والدین و کودکان. کارشناسان معتقدند عدم ارائه آموزش‌های لازم قبل و بعد از ازدواج، نبودن فیلترهایی به منظور تعیین صلاحیت والدین در فرزنددار شدن و نگهداری از فرزند

منابع

- ایروانیان، امیر و همکاران، کودک‌آزاری: از علت تا پاسخ‌دهی، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه - مرکز مطالعات توسعه قضایی، ۱۳۹۵.
- آبروشن، هوشنگ، کودک‌آزاری و کنوانسیون حقوق کودک، ج. ۱، تهران: نشر آریان، ۱۳۸۴.
- طارمی، محمدحسین، جرم‌شناسی و کودک‌آزاری، تهران: پگاه حوزه، ۱۳۸۹.
- عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۸.
- عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، ج. ۱، تهران: مجد، ۱۳۸۰.
- مدنی، سعیدف، کودک‌آزاری در ایران، تهران: نشر اکنون، ۱۳۸۳.
- میرمحمدی، مصطفی و همکاران، حقوق کودک، تهران: انتشارات دانشکده مفید، ۱۳۹۳.
- ناصر قربان‌نیا و همکاران، بازپژوهی حقوق زن، ج. ۱، تهران: انتشارات روز نو، ۱۳۸۴.
- الامامیه و المذاهب الاخری، ج. ۱-۳، قم: مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۳۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج. ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- Elliot, Catherine, Frances Quinn, Criminal law, 16th edition, 2006.
- Elliot, Catherine, Frances Quinn, Criminal law, 16th edition, 2006.
- James Hobbs, Christopher and others, Child abuse and Neglect: a clinician's handbook, second edition, Churchill Livingstone Publishers, 1999.
- Richardson, Tom, Marsha V. Williams, Child Abuse and Violence, nova science Publishers, 2008.
- Spinelli, Margaret, Infanticide Psychosocial and Legal Perspectives on Mothers Who Kill, data publishers, 2003.